

آموزش، ترجمه و نشر فرهنگ و ادب فارسی در گرجستان

د. ا. کابنده

ترجمه میرزا شکورزاده

در پژوهشگاهها و فرهنگستان علوم اتحاد جماهیر شوروی و سایر جمهوریهای سابق آن، تحقیق و بررسی تاریخ، فلسفه، زبان و ادب فارسی جایگاه ویژه‌ای دارد. ایرانشناسی در این جمهوریه‌ها، صرف نظر از بحران شدید اقتصادی و سیاسی که بسیاری از این کشورها دچار گردیده‌اند، باز هم مقام و جایگاه خویش را حفظ کرده است و از مطالعه مقاله زیر، سابقه پرافتخار روابط فرهنگی میان گرجستان و ایران روشن خواهد شد و ثابت خواهد گشت که درخت دوستی میان این دو ملت برادر، ریشه در عمق جان تاریخ دارد.

در شوروی سابق کمتر پژوهشگاهی را می‌توان پیدا کرد که به اندازه مؤسسات فرهنگی گرجستان، در زمینه ایرانشناسی این قدر مؤثر و با ثمر خدمت کرده باشند و این مقاله به مثابه مشکی رسیده از ختاست که در خدمت خوانندگان گرامی گذاشته می‌شود.

مترجم

ز این مطلب کوشش به خرج خواهیم داد که درباره آموزش ادبیات ارسسی، و عموماً ایرانشناسی در گرجستان در مرحله کنونی، گزارشی نرسیده تهیه نماییم و در این زمینه، از دوران احیای تمدن گرجستان، یعنی نهای دوازدهم و سیزدهم میلادی صرف نظر خواهد شد که در آن

دوران در فرهنگستان علوم و دانشگاهها و دیگر پژوهشگاهها به تحقیق زبانها و ادبیات خاور، از جمله مسائل ایران‌شناسی توجه خاصی مبذول گردیده است. در آن روزگار وارد میدان ادبیات گردیدن و ترجمه داستان مشهوری چون «ویس و رامین» فخرالدین گرجانی دلیلی برای گفته‌های بالاست.

چنان که می‌دانیم، در گرجستان در قرنهای سوم و چهارم میلادی در مکانی به نام «فازیس» (در نزدیکی شهر «پاتی» کنونی) فرهنگستان کالخید^۱ در فعالیت بود و در آغاز قرن دوازدهم میلادی علاوه بر آن، دو فرهنگستان علوم فعالیت داشتند که یکی «فرهنگستان گلیلات» نامیده می‌شد و پایه‌گذار آن «داود اعمار» بوده، رئیس فرهنگستان فیلسوف مشهور «ابائی پتریسا» بوده، و دومی «اکلاتای» عنوان داشت که رئیس آن متفکر بزرگ گرجی «ارستین اکاتالی» بوده است که بدون تردید در این دو کاخ بلند فرهنگ، زبانهای باستانی ایرانی و فرهنگ و ادب این کشور، همه جنبه آموخته می‌شد. بسیاری از منابع تاریخی گرجستان شهادت بر آن می‌دهند که مؤلفان آنها از ادبیات ایران باستان و زبانهای این سرزمین مطلع بوده‌اند و به عقیده اینجانب، داستانهایی چون «ویس و رامین» و «کلیده و دمنه» و ... مدتها پیش به گرجی ترجمه و نشر گردیده، که بر اثر جنگهای طولانی، این اثرها از بین رفته‌اند.

ما در این مقاله به دوران «احیای منجمده» ادبیات گرجی (قرنهای شانزدهم و هفدهم میلادی) نیز نخواهیم پرداخت که در میدان ادبیات در این دوران بهترین آشنایان با ادبیات فارسی، امثال «اسیریان (سهرابیان) سبشویلی» که مترجم شاهنامه فردوسی محسوب می‌شود و «نادر

سنینیش ویلی» مترجم داستان «بهرام گور» و نگارنده داستانهای «لیلی و مجنون»، «یوسف و زلیخا»، «تهمورس اول» ... فعالیت گسترده داشتند و در قلبهای خواننده گرجی شعله محبت را نسبت به زبان و ادبیات فارسی افروختند؛ یعنی ما تنها کارهایی را که در زمینه ایران‌شناسی در سالهای اخیر انجام پذیرفته‌اند، مورد بررسی قرار خواهیم داد.

دانشمند توانای گرجی، آکادمیسین ا. جواهرشویلی تأکید کرده بود که: «ادبیات جدید فارسی در قلب مردم گرجستان تأثیر عمیقی گذاشت و آنها به این ادبیات مثل خود فارسیها عشق می‌ورزند و هر چند شاهنامه (در گرجی رستمنامه) فردوسی، «ویس و رامین»، «کلیده و دمنه»، «لیلی و مجنون» از جانب شاعران فارسی‌گویی مسلمان تألیف شده‌اند، گرجیان عیسوی از این اثرها با محبت تمام استقبال نموده، چون گنجینه پر بهای هنر، عزیز می‌دارند. شعر و فرهنگ میان ایرانیان و گرجی‌ها حسن تفاهم ایجاد نموده و تخم دشمنی برکنند و گلباغ دوستی را طراوت و سرسبزی بخشید. تمدن ایرانی - اسلامی برای گرجیها هرگز بیگانه نبوده، و آنها هدام به هنر و فرهنگ فارسی احترام و ارزش بزرگ قایل بودند.»^(۱)

پس از پیروزی انقلاب اکبر در حیات اقتصادی و فرهنگی گرجستان دگرگونیهای عظیمی به وقوع پیوست و ناگفته نماند تأسیس دانشگاه دولتی تفلیس در رشد علم و هنر مردم گرجستان تأثیر مثبت گذاشت، و باید یاد آور شد که جهت پیشرفت و کمالات رشته خاورشناسی در گرجستان، دانشکده زبانهای شرق واقع در دانشگاه لنینگراد، سهم و نقش اساسی داشته، که دانشکده ذکر شده را دانشمندان شناخته شده ما، چون

۱. جواهرشویلی، تاریخ گرجستان، ج ۲، تفلیس، ۱۹۲۸، ص ۳۰۶ و به زبان گرجی.

۱. جواهرشویلی، آ. گ. : شاهندزی، ی. ا. : عبدالدزی و دیگران به پایان رسانده، و در پایه‌گذاری و رونق‌بخاوری خدمات شایسته‌ای از خود نشان داده‌اند، ناگفته نماند که با کوشش و ابتکار دانشمندان چون ی. ا. عبدالدزی و گ. س. آخولادیانی در گرجستان مکتب ایرانشناسی ایجاد گردید که می‌توان گفت آن در اتحاد جماهیر شوروی (سابق) یکی از مؤسسه‌های ترقی‌کرده محسوب می‌شود. در پیوند با پژوهش‌های فرهنگی در ایران در عین حال در گرجستان پژوهشگاه‌های علمی چندی در زمینه ایرانشناسی کارهای با ثمری انجام می‌دهند که در رأس آنها دانشگاه دولتی تغلیس قرار دارد که در سال ۱۹۱۸ م تأسیس یافته است. علاوه بر دو دانشمند گرامی مذکور در بالا، امروز علمای زیر در این دانشگاه به تحقیق و بررسی و آموزش زبان و ادبیات و تاریخ ایران دست‌اندرکارانند مانند: م. ک. آندرانکشویلی، گ. س. آخولادیانی، ن. ی. برتابیا، س. و. باچاراشویلی، م. س. گالادری، ن. س. در سه ولدزی، ل. د. ژار زالیسی، س. د. کوبریکشویلی، ت. گ. کیشلاوا، د. ا. کایدزی، و... دانشمندی هستند. دومین مؤسسه فرهنگی که به پژوهش و تحقیق همه‌جانبه فرهنگ ایرانی مشغول است، پژوهشگاه خاورشناسی فرهنگستان علوم جمهوری می‌باشد که در سال ۱۹۶۰ م بنیانگذاری گردیده، و در این کانون فرهنگی اشخاص صاحب نظری چون: ا. گ. آلیکسندزی، ل. ی. آساتیانی، ا. ا. گسهوریه، ن. ش. گیلگشویلی، ج. ش. گونشویلی، م. ت. دگلندزی، م. ن. اواناشویلی، ا. و. کسالدزی، ل. ن. کساتشویلی، ا. ن. لامستدزی، م. س. مادیدری ... در خدمت علوم ایرانشناسی قرار دارند. پژوهشگاه دارای دو بخش زبان و ادبیات فارسی و بخش زبانهای هندی و ایرانی

می‌باشد، و ناگفته نماند که دیگر مسائل فیلولوژی و باتمدن و تاریخ ایران در دیگر پژوهشگاههای فرهنگستان علوم گرجستان نیز آموخته می‌شود، و پژوهشگاههای موسوم به زستولی، و پژوهشگاه دستنویسهای شرقی از همین قیل می‌باشند، و بعضی مسائل زبانشناسی ایرانی در پژوهشگاه آسنتی جنوبی و دانشگاه آموزگاری شهر «سخانوال» نیز بررسی می‌شود. خدمات ایرانشناسان با رهبری استاد و. ن. گابشویلی نیز شایان تحسین است، زیرا بویژه در نتیجه کارهای پر ارزش تحقیقی که توسط ایشان انجام می‌شود و در اساس آموزش منابع فارسی، بسیاری از گره‌های مشکل در رابطه با تاریخ ماورای قفقاز بویژه گرجستان گشوده می‌شود که این بدون تردید به نفع فرهنگ مشترک ماست، و بی‌سبب نیست که پایه‌گذار دانشگاه دولتی گرجستان آقای جواهرشویلی تأکید کرده است که جهت تحقیق همه‌جانبه تاریخ، فرهنگ و ادبیات گرجی، آموختن زبانهای خاور، بویژه فارسی، عربی، ترکی و ارمنی لازم است؛ بدین جهت در دانشگاه نامبرده از نخستین روز تأسیس آن تا به حال، به مسئله گسترش و رشد خاورشناسی توجه ویژه دیده می‌شود. در پیوند با پژوهش‌های فرهنگی در ایران باید تذکر داد که ارتباط فرهنگی میان گرجستان و ایران، با پیوستگی روابط ادبی میان دو کشور، تحکیم و استقرار یافتن نخستین آثار ادبی‌ای که بشوق و محبت به ارتباط فرهنگی را در دل دانشمندان هر دو کشور بیدار کرد، کارهای تحقیقی ن. مار، و. ی. ابولدزی درباره داستانهای «رستم نامه» و «ویس و رامین» می‌باشند که این داستانها در اساس از روایتهای نارسا آفریده شده‌اند. اینجا این نکته را باید تذکر داد که تألیفات دانشمند نامی ن. مار، درباره مقایسه شاهنامه گرجی با نسخه اصل، یعنی

فارسی آن، در تاریخ ایران‌شناسی دوزان ما اقبی تازه ایجاد کرد.^(۱) مطلب دوم همین دانشمند دربارهٔ ارتباط میان معادل گرجی و فارسی داستان «ویس و رامین» فخرالدین اسعد گرگانی (شاعر قرن دوازدهم میلادی)، در سال ۱۸۹۷م چاپ شد که در بین خاورشناسان گرجستان هم‌آوازی گرم و جوشانی ایجاد کرد. معلومات این مسئله که تعبیر گرجی داستان مزبور، شباهت به ترجمه فارسی آن دارد، در دیگر اثر ن. ی. مار یعنی «ارتباط ادبی میان گرجستان و ایران» به صورت بسیار همیقی بررسی گردید.^(۲)

راهی را که دانشمندان گرامی ن. مار، و ی. ابولدزی در زمینهٔ روابط فرهنگی میان دو کشور دوست، باز کردند بعد از آنها آکادمیسین ا. گ. بازامیدزی با موفقیت پیمود و راجع به مسائلی مختلف تعبیر گرجی داستانهای شاهنامه «ویس و رامین»، «کلبه» و «دمنه» سلسله مطالبی نوشت.

چنان‌که می‌دانیم، آفرینش داستان بنی‌زوال شاهنامهٔ فردوسی، در رشد ادبیات و فولکلور گرجی تأثیر بزرگی گذاشت و به نوبهٔ خود، جلد یکم تعبیر گرجی «شاهنامه» که در سال ۱۹۱۶م از جانب ی. ل. ابولدزی به نشر رسید، توجه دانشمندان و عامه و ضیع خوانندگان را به خود جلب نمود. این کتاب همچنین حاوی تحقیقات و حواشی نیز می‌باشد و تا به امروز از اهمیت و مقام آن کاسته نشده است. جلد دوم این کتاب در سال ۱۹۳۴م به طبع رسید که در تهیه و نشر آن دانشمندی چون: ی. ابولدزی،

۱. رک به: روزنامهٔ «ابوریا»، ۱۸۹۱، شماره‌های ۱۳۲، ۱۳۳ و ۱۳۵.

۲. مجلهٔ «مورای لفقاز»، شماره ۱، ۱۹۲۵.

ل. بازامیدزی، ب. انگارا کاواک، کاکالدزی، و ل. شاهندزی، سهیم بودند و ناگفته نماند که جلد سوم آن از سوی نگارندهٔ این مقاله تهیه گردیده و در دست چاپ است.

در زمینهٔ تحقیق و آموزش منابع فارسی تعبیر گرجی «شاهنامه»، کارهای چشمگیری نیز انجام پذیرفته و چنین نتایجی حاصل گردید:

۱. در تعبیر گرجی شاهنامه همانند تعبیر آن در دیگر زبانهای شرق، اساساً به متن فارسی استناد ورزیده می‌شود؛
۲. «برزونا» بهمن‌نامه، «گرشاسب‌نامه»، «سامنامه» برگرفته از شاهنامهٔ بنی‌زوال فردوسی بوده، ادامه و یا یک نوع تقلید آن محسوب می‌شوند.
۳. به تعبیر گرجی «شاهنامه» داستانهای مذکور در بالا تأثیر معینی بخشیده‌اند و اساس تعبیر گرجی، برگرفته از متون پراکندهٔ فارسی می‌باشد.
۴. در تعبیر گرجی «شاهنامه» از آناری که در تقلید داستان فردوسی آفریده شده‌اند، اینها مورد استفاده قرار گرفته است: تعبیر اخیر انجام شدهٔ «سامنامه»، قسمت «اساسی» «برزو نامه» بعضی بخشها از «گرشاسب‌نامه» و ...

در تقلید شاهنامه، آفریدن اثر و بویژه تصویر لحظه‌های جداگانه و ایجاد صحنه‌های گوناگون که در تعبیر گرجی آن دیده می‌شود، از منابع فارسی برگرفته شده است و آنچه که در نسخهٔ اصلی به نظر می‌رسد، همان گونه می‌باشند. نکتهٔ دیگری در این رابطه آشکار گردید که تعبیر گرجی شاهنامه که به نظم تألیف یافته است، نسبت به منابع فارسی که در این زمینه در دسترس ما قرار دارند، مهمتر می‌باشد و به آن، باید اهمیت ویژه‌ای قابل شد.^(۱)

۱. ی. ل. ابولدزی، تعبیر گرجی شاهنامه، ج ۱، ۱۹۱۶، ص ۳۳-۱۱۳ و ۱. گ. بازامیدزی، رساله ...

ناگفته نماند که اهمیت و مقام تاریخی داستان «ویس و رامین» و نقش آن در رشد ادبیات فارسی برای ایران‌شناسان گرجی روشن است. زبان بسیار فصیح شاعرانه، محتوای غنی و تفکر بدیع نگارنده این داستان در آثار شعری کلاسیک و نوین ایران تأثیر عمیق گذاشت و باید تذکر داد که بررسی و تحقیق تعبیر گرجی این داستان از سوی دانشمندان گرجی به نحو احسن صورت گرفته است و از جمله درباره مسئله ارتباط میان تعبیر گرجی داستان و متن فارسی آن، رساله و مقاله‌های جداگانه‌ای به نشر رسید و معلوم شد که ترجمه گرجی آن، در آخر قرن یازدهم و یا ابتدای قرن دوازدهم انجام پذیرفته است که چند قرن پیش از تألیف داستان بزرگ «رستویلی» «پلنگینه پوش» (یا پهلوانی در پوست ببر) می‌باشد، نکته دیگری را نیز باید تأکید نمود که با استفاده از تعبیر گرجی داستان یاد شده در بالا به متن فارسی آن یک سلسله توضیحات و علاوه‌ها را می‌توان وارد ساخت.^(۱) جای خوشنودی است که با استفاده از تعبیر گرجی داستان مذکور و چند دستنویس فارسی که قبل از این، مورد استفاده قرار نگرفته بودند، متن فارسی داستان «ویس و رامین» از جانب ا. ا. گوهرتیه و م. ا. تادوئه آماده نشر و در تهران به چاپ رسید.^(۲)

داستان «کلیله و دمنه» نیز مورد بررسی عمیق قرار گرفته و نتیجه گرفته

۱. ا. ا. ابرلدری، علاوه‌ها به متن تعبیر گرجی «ویس و رامین»، مجله گرجی «انثیا و انوری» میخکوبیدریابه، شماره ۱، ۱۹۳۵.

۲. در ادبیات گرجی به غیر از نسخه نثری «ویس و رامین»، همچنین داستان منظوم آن نیز موجود است، منسوب به فلم شاعر و پادشاه «آرجل» می‌باشد.

شد که این اثر با «کلیله و دمنه» حسین واعظ کاشفی (قرن پانزدهم میلادی) قرابت نزدیک دارد و هنگام مقایسه هر دو داستان، معلوم شد که مترجم گرجی جهت ترجمه این داستان، نسخه معتبرتری در اختیار داشته است (مترجمان داستان مزبور شاه «داوود» و «وختنگ» می‌باشند که زمان زندگی آنها قرن ششم میلادی می‌باشد). حتی منابع آنها معتبرتر از نسخه اصلی است که تا به زمان ما رسیده است و حتی امکان دارد، بر اساس تعبیر گرجی داستان، نسخه فارسی آن را تکمیل کرد.

خاورشناسان گرجی همچنین جهت معرفی و بررسی منابعی که از آنها در تألیف داستان «نادر سسشویلی»، «بهرام گور» استفاده به عمل آمده است، یک سلسله کارهای پژوهشی را انجام داده و با در حال انجام دادن می‌باشد و روی این موضوع می‌توان تألیفات آقای ی. ا. بولدزی، ک. س. کاکلدری، ا. د. کابدزی، و خاطر نشان نمود.^(۱) «یوسف و زلیخا» (قرتهای شازدهم و هفدهم) نیز مورد تحقیق قرار گرفته و چنین ارزیابی شد که تعبیر گرجی این داستان، نه از داستان «یوسف و زلیخا» عبدالرحمن جامی، بلکه برگرفته از داستان یک نفر از مقلدان است.^(۲)

ارتباط تعبیر گرجی داستان «لیلی و مجنون» با داستان مشابه فارسی

۱. ا. ا. ابرلدری، «ساختار گازیانه»، ۱۹۱۳، شماره ۱۸، یادگارهای ادبیات گرجستان قدیم، (بهرام گور) مجله «مناتاجی»، ۱۹۳۶، شماره‌های ۱۰ و ۱۱ و اطلاعاتی درباره یک داستان، تفلیس، ۱۹۳۶. منابع فارسی راجع به تعبیر گرجی داستان «بهرام گور» در کتاب «ارتباطات ادبیات فارسی و گرجی»، تفلیس، ۱۹۶۹، ص ۱۶۳ - ۱۳۶.

۲. ا. ا. گوهرتیه، منابع فارسی تعبیر گرجی داستان «یوسف و زلیخا» تفلیس، ۱۹۵۸.

آن، نیز از جانب ادبیات شناسان گرجی مورد بحث قرار گرفته است.^(۱) مای تمسین است که کار پرارزش تحقیقاتی «گ.ب. جکابیه» تحت عنوان «ترجمه‌های تهمورس» (۱۹۳۴م) جهت آموزش مسائل روابط بین ادبیات گرجی و فارسی، از اهمیت ویژه برخوردار است، از سوی دیگر، ایران‌شناسان گرجی «واجب به مناسبات تغییر گرجی» «سناد نامه» و «بخیار نامه» با منابع فارسی این داستان «قرنهای هفدهم و هیجدهم» مقاله و مطالب جالب توجه به نشر رساندند. در ایران‌شناسی گرجی، همچنین آموزش و بررسی نمودهای شعر در شرق، از جمله در ایران، همانند: غزل، مخمس، رباعی، مستفاد و... از نظر اعتبار دور نمانده است.^(۲) اینجا کار جالبی که از سوی دکتر و.س. بوتوروزی منجر به انجام رسید، نیز قابل توجه صاحب‌نظران هر دو کشور می‌باشد. چنانچه از جانب نامبرده، یک سلسله استاد تاریخی فارسی، از قبیل فرامین دستورها که در موزه‌ها و انبارهای کتاب نگهداری می‌شدند، ترجمه و مورد تحلیل علمی قرار گرفت و به عنوان «استاد تاریخی فارسی در انبارهای نگهداری کتاب گرجستان» در شکل مجموعه‌ای جداگانه در سالهای ۱۹۵۵-۱۹۶۷ در چهار جلد به نشر رسید که جهت آموزش مناسبت‌های فرهنگی دو ملت و تاریخ دیپلماسی در ایران، از اهمیت ویژه برخوردار می‌باشد. سلسله کتاب‌های دیگری نیز در زمینه ارتباط فرهنگی میان دو کشور، از جانب آقای «پتوردزی» به نشر رسیده است. باید از کارهای

۱. «تاریخ‌نویسی». درباره وابستگی متقابل داستان «سناد نامه» گرجی، فارسی، تفلیس، ۱۹۶۲، ص ۱۶۵-۱۵۲.
 ۲. «تاریخ‌نویسی». درباره وابستگی متقابل داستان «سناد نامه» گرجی، فارسی، تفلیس، ۱۹۶۹، ص ۲۰۱.

فرهنگی دانشمند دیگر آقای «م.ن. خبویه» در زمینه اسنادشناسی ایرانی نیز یاد کرد که کار ایشان هم در شکل مجموعه جداگانه چاپ گردید.^(۳) مسئله مناسبات فرهنگی ایران و گرجستان از نظر دانشمندان گرجی «ا.ا. امیدشویلی، و.ی.ب. متراویلی، نیز دور نماند، چنانچه دربارهٔ زبان داستانهای مشهور گرجی «وابستگی کاسنی» و «امیراندرجانیانی» و تأثیر جهان ایران در آفرینش این داستانها، کارهای پر ارزش علمی انجام دادند؛ موضوع نسبتاً بکر و جالبی که از سوی دانشمند محترم «ی.ان. مار» مورد اندیشهٔ علمی و تحلیل و بررسی قرار گرفت، نقش نویسندگان و شاعران گرجی نیز مقیم ایران در رشد و تکامل ادبیات این کشور می‌باشد.^(۴) در آثار «مار»^(۵) نکته‌های جالبی دربارهٔ تأثیر متقابل زبان و فرهنگ دو کشور ارائه گردیده است. در عین حال موزه و انبارهای کتاب در مملکت، حاوی بسیاری از دست‌نویسهای نادر فارسی می‌باشند که جهت کارهای تحقیقاتی بعدی همچون گنجینه‌ای پر بها مورد استفاده قرار خواهند گرفت. آموزش تاریخ ادبیات فارسی، در خاورشناسی گرجی جایگاه ویژه‌ای دارد و در این زمینه می‌توان از اثر پرارزش د. ا. کابدزی تحت عنوان «ادبیات

۱. «تاریخ‌نویسی». درباره وابستگی متقابل داستان «سناد نامه» گرجی، فارسی، تفلیس، ۱۹۶۲، ص ۱۶۵-۱۵۲.

۲. «تاریخ‌نویسی». درباره وابستگی متقابل داستان «سناد نامه» گرجی، فارسی، تفلیس، ۱۹۶۹، ص ۲۰۱.

۳. «تاریخ‌نویسی». درباره وابستگی متقابل داستان «سناد نامه» گرجی، فارسی، تفلیس، ۱۹۶۹، ص ۲۰۱.

۴. «تاریخ‌نویسی». درباره وابستگی متقابل داستان «سناد نامه» گرجی، فارسی، تفلیس، ۱۹۶۹، ص ۲۰۱.

۵. «تاریخ‌نویسی». درباره وابستگی متقابل داستان «سناد نامه» گرجی، فارسی، تفلیس، ۱۹۶۹، ص ۲۰۱.

۶. «تاریخ‌نویسی». درباره وابستگی متقابل داستان «سناد نامه» گرجی، فارسی، تفلیس، ۱۹۶۹، ص ۲۰۱.

۷. «تاریخ‌نویسی». درباره وابستگی متقابل داستان «سناد نامه» گرجی، فارسی، تفلیس، ۱۹۶۹، ص ۲۰۱.

۸. «تاریخ‌نویسی». درباره وابستگی متقابل داستان «سناد نامه» گرجی، فارسی، تفلیس، ۱۹۶۹، ص ۲۰۱.

۹. «تاریخ‌نویسی». درباره وابستگی متقابل داستان «سناد نامه» گرجی، فارسی، تفلیس، ۱۹۶۹، ص ۲۰۱.

فارسی» (جلد ۱، تفلیس، ۱۹۴۶)، و جلد دوم کتاب نامبرده (تفلیس، ۱۹۴۷)، کتاب ا. گوهریه، فردوسی (تفلیس، ۱۹۶۳)، مجموعه مقاله‌ها به عنوان «رودکی» (تفلیس، ۱۹۵۷)، آثار ک.ک. باگاوا، نظامی (تفلیس، ۱۹۶۴)، د.ا. کایدزی، سعدی و گلستان او (تفلیس، ۱۹۴۸)، م. تادوه، تقلید از گلستان در ادبیات فارس و تاجیک (تفلیس، ۱۹۵۴)، و.و. کاتیشویلی، دربارهٔ درک ماهیت نظم حافظ (تفلیس، ۱۹۶۲)، مجموعه مقاله‌ها تحت عنوان جامی (تفلیس، ۱۹۶۴) و نیز تألیفات بسیار دیگر را نام برد.

ناگفته نماند که موضوع پیدایش و ترقی نثر نوین فارسی نیز در مرکز امور تحقیقاتی دانشمندان ما قرار داشته است. چنانچه ادبیات‌شناس ک.ک. باگاوا در رسالهٔ خود «نثر نوین فارسی» داستانهایی «جمالزاده» را مورد بحث و بررسی قرار داده است. روشهای دموکراسی در نثر معاصر فارسی اثر همان محقق نیز از کارهای پرارزش پژوهشی محسوب می‌شود که وی آثار نویسندگان جمالزاده، مشفق کاظمی (همدانی)، بزرگ علوی و... را مورد بحث قرار داده است؛ از نویسندگان معاصر ایرانی، همچنین به داستانهایی صادق هدایت و رمان سعید نفیسی از جانب ادبیات‌شناسان گرجی ت.گ. گیشالاولا، و.ا. و.ا.س. گیوناشویلی نقد ادبی نوشته شده است. ^(۱) نظم معاصر فارسی، بویژه آثار ملک الشعرا بهار و نیما یوشیج در تألیفات نظم‌شناسان گرجی، ت.گ. گیشالاولا ^(۲) و د.ا.

۱. ت.گ. گیشالاولا، نثر صادق هدایت، تفلیس، ۱۹۵۸؛ ل.س. گیوناشویلی، نثر سعید نفیسی، تفلیس، ۱۹۶۶.

۲. «بهار» سرایندهٔ صلح و بهار، مجلهٔ میانیان، ۱۹۶۴، شمارهٔ ۳، ص. ۱۱۶-۱۲۲.

کایدزی ^(۱) مورد گفت و گوی جدی قرار گرفته است. علاوه بر آن، دربارهٔ اشعار شاعرانی چون «امیری»، «دهخدا»، «فرخی یزدی»، «اشرفی» و دیگران، مؤلفان نامبرده و عده‌ای دیگر از مستقدان گرجی، مقاله و رساله‌های با ارزشی نوشته‌اند. با وجود این، ما به آموزش و بررسی نظم معاصر فارسی هنوز کاملاً موفق نگشته‌ایم و امید است این مسئله در آینده بهتر از پیشتر مورد پژوهش قرار گیرد.

در زمینهٔ آموزش فولکلور و یا آثار مردمی ایران، می‌توان کتابهای ت.گ. گیشالاولا «صادق هدایت و فولکلور»، نشر دانشگاه دولتی تفلیس، ۱۹۶۲؛ ک. چاچاوا «مناسبات فولکلور گرجی و فارسی»، در مجموعهٔ روابط ادبی، تفلیس، ۱۹۶۹ و... را نام برد؛ ولی در این رشته دانشمندان گرجی از فعالیت خود چندان قانع و راضی نیستند. ^(۲) باید نکته دیگری را در روابط فرهنگی میان دو کشور دوست یادآور شد، آن اینکه، دانشمندان ما به تبلیغ و بررسی ادبیات اکتفا نکرده در زمینهٔ زیاتشناسی فارسی، بویژه مسائل پیوندها و ارتباط مشترک میان زبانهای گرجی و فارسی و تحقیق زبانهای از بین رفته ایرانی نیز قلم زده‌اند، و در این رشته باز هم از نام خجستهٔ دانشمندان گرامی «ن.مار»، «ای.بولدزی»، و «م.خویوا» باید یادکرد و ذکر خیر نمود. اما در زمینهٔ یاد شده فعالیت پر دوام و پزیرنده دکتر علوم فیلولوژی م.ک. اندرانکشویلی و اثر با ارزش او رساله دربارهٔ ارتباطات زبانی میان گرجیها و ایرانیان (ج ۱، تفلیس ۱۹۶۶) را به طور مخصوص باید قید نمود. کتاب مزبور حاوی مواد جدید و پرمحتوی بوده، نتایج زحمتهای چندین سالهٔ دانشمند

۱. د.ا. کایدزی، ستاره‌های گرجی در آسمان نظم فارسی، تفلیس، ۱۹۶۹، ص. ۲۲۲-۲۱۵.

محترم در رشته لغت‌شناسی، به نوعی جمع‌بندی گردیده است. تا جایی که ما اطلاع داریم، انسورهای زبان فارسی در تمام مسائل بنیاد لغوی زبان گرجی مشاهده می‌شود و بررسی این موضوع در زبان‌شناسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، و می‌توان آن را نوعی کتاب روزمیزی هم برای گرجی‌شناسان و هم برای ایرانی‌شناسان نامید.^(۱) و کتاب جالبی به عنوان واژه‌های عربی که توسط زبان فارسی به زبان گرجی آمده‌اند نیز متعلق به قلم این دانشمند معروف است که در سال ۱۹۶۵م از جانب انتشارات دانشگاه دولتی تفلیس به چاپ رسیده است. (۱) *از زبان...*

موضوع ترکیب آواها و یا ساخت ترکیبی آواها در زبان فارسی، در مونوگرافی ش.ب. کاپرانداشویلی که آواشناسی زبان فارسی^(۲) نام دارد، مقام ویژه‌ای کسب کرد که این کتاب در سال ۱۹۶۴ به نشر رسیده است. مؤلف در این اثر خود، کوشش فراوانی به خرج داده است که به تمام مسائل مربوط به ترکیب آواها در زبان ادبی فارسی (یا زبان همگانی فارسی) پاسخ واضح علمی بدهد و چنان که دانشمند شهیر «ایدیلیمان» ذکر کرده است، «چنین کار تحقیقی در رابطه با آموزش زبان فارسی در ایران‌شناسی جهان مقام اول را دارد.»^(۳) از جمله دستاوردهای اثر با ارزش ج.ش. گونانشویلی «ترتیب آواها در زبان فارسی» که در مجموعه اخبار پژوهشگاه خاورشناسی فرهنگستان علوم گرجستان،

۱. م. ک. آندراکانشویلی، رساله دربارهٔ ارتباطات زبانی در میان گرجی‌ها و ایرانیان، ج. ۱، تفلیس، ۱۹۶۶. مانی سالیان، تفلیس، «مجله علمی گونانشویلی» شماره ۱، ص ۱۰۶.
۲. ا. ا. ایدیلیمان، «ن. ا. شماره ۶، ۱۹۶۵، ص ۱۹۰.
۳. همان مأخذ، ص ۱۰۶. از جمله دستاوردهای فرهنگستان علوم گرجستان،

در سال ۱۹۶۰م ۲۲۵، ۲۴۶ به نشر رسیده است، نیز از جانب متخصصان این رشته بهار و الاکسب کرد. متخصصان ما در زمینه علم لغت‌شناسی ایرانی نیز چهره دست بوده‌اند و اینجا قبل از همه رسالهٔ جالب ت.د. چخایزی را که موضوع لغت سازی توسط پسوند‌ها در زبانهای میانه و جدید فارسی را در بر می‌گیرد، می‌توان ذکر نمود که آن حاصل زحمتهای نبدین سالهٔ دانشمند محترم محسوب می‌شود و در مجموعه‌ای تحت عنوان لغت‌سازی در زبان فارسی (تفلیس، ۱۹۶۹) به نشر رسیده است؛ از دانشمندانی چون: ج.ش. گونوشویلی، گ.ن. ناخوسروشویلی، تا. ج.ا. چاواادزی، م.س. مادیدزی ... می‌توان ذکر خیر نمود که در زمینهٔ زبان‌شناسی ایرانی مقاله و رساله و کتابهای ارزشمند تألیف نموده در عرصهٔ مبنی فرهنگ کشور سهیم بوده‌اند. در زمینهٔ لغت‌شناسی می‌توان از رسالهٔ ل.ن. توشوشویلی به عنوان «جزوه (عناصر) محدود عربی در ماهنامه فردوسی» که در سال ۱۹۵۱م تهیه و نشر گردیده است، یاد کرد و چند اثر پژوهشی، مقاله و رساله راجع به زبان آثار بزرگانی چون «رومی» و «جامی» به قلم دانشمند مزبور تعلق دارد. فعالیت دانشمند گرجی آقای «توشوشویلی» در ایران‌شناسی، بسیار با ارزش بوده و او در دورهٔ ویژگیهای خاص گویشهای فارسی شیرازیان و اصفهانیان و سمنان و بقایسهٔ این گویشها با زبان همگانی فارسی تألیفات جالبی دارد.^(۱)

۱. ویژگیهای آوایی و سرفواری گویشهای زبان فارسی در شیراز، اخبار پژوهشگاه زبان‌شناسی تفلیس، ۷۵، ص ۱۸۵-۱۷۵، ۱۰۵-۹۷، ویژگی اساسی گویشهای اصفهان، اخبار دانشگاه دولتی تفلیس، ۱۹۶۴، ص ۱۰۵-۹۷.

جای یادآوری است که آموزش و بررسی زبان آستیتی نیز یکی از رشته‌های فعالیت ایران‌شناسان گرجی محسوب می‌شود و در این زمینه پروفیسور گ. س. آخولادیانی مجموعهٔ پرازشی به نام مجموعه آثار منتخب راجع به زبان آستیتی (ج.ا. تفلیس، ۱۹۶۰) به نشر رساند. ایشان از نخستین استادانی می‌باشد که دربارهٔ مورفولوژی زبان نامبرده و دیگر مسائل مربوط به زبان آستیتی کارهای قابل توجه فرهنگی به انجام رسانده، و از سوی دانشمندان بهای بلند علمی کسب نموده است. (۱۱) و در این زمینه می‌توان از آثار پر محتوای خانم ا. گ. تادایوا نیز ذکر خیر نمود.

تهیه و تألیف و نشر کتابهای تعلیم زبان فارسی در گرجستان، همیشه یکی از بخشهای امور علمی خاور شناسان کشور بوده است و هنوز در سال ۱۹۳۷ م در این زمینه کتاب آقای «ی.ا. ابولدزی» با عنوان دستور زبان فارسی به زبان گرجی به طبع رسید و در خدمت علاقه‌مندان زبان فارسی قرار گرفت. در این رساله صرف و نحو زبان کلاسیک فارسی در حد امکان، مورد تحلیل و تحقیق قرار گرفته، و نمونه‌هایی از نظم و نشر فارسی به عنوان مثال طرح گردیده است. کتاب حاوی لغت فارسی به گرجی نیز می‌باشد، اثر نامبرده تا امروز در دانشگاه‌های کشور، یکی از دستورهای اساسی تعلیم زبان فارسی به شمار می‌رود.

منتخبات زبان فارسی که شامل متون و فرهنگ به گرجی و روسی می‌باشد، در سال ۱۹۳۵ م با کوشش «و.س. پوتردزی» و سرپرستی

قطعه‌های نظم و نثر را، از ادبیات معاصر فارسی در برداشت. دومین «منتخبات زبان فارسی»، در سال ۱۹۴۶ م در تفلیس منتشر شد که سرپرستی این کار را نیز «ابولدزی» به عهده داشت؛ و پرمحتواتر از منتخبات اولی بوده زیرا در این کتاب پاره‌ها از داستانهای چون: شاهنامه «ویس و رامین»، سفرنامه ناصر خسرو، تاریخ گزیده قزوینی و نمونه‌هایی از افسانه‌های مردمی گردآوری شده بود، و این منتخبات تاکنون یکی از دستورهای اساسی جهت آموزش زبان فارسی، در دانشگاه‌های گرجستان محسوب می‌شود. علاوه بر آنچه که در بالا ذکر شد، در سال ۱۹۶۳ م دانشمند محترم «د.ا. کابدزی» کتاب «منتخبات فارسی» را به نشر رساند که این مجموعه پاره‌های نسبتاً بزرگ را از نثر و نظم فارسی در برداشت و بخش دوم این مجموعه که حاوی نمونه‌هایی از ادبیات معاصر فارسی می‌باشد، در سال ۱۹۶۷ م چاپ شد. کتابهای نامبرده از سوی دانشمندان داخلی و خارجی نقد گردیده، و ارزش والایی را سزاوار گردیدند و ناگفته نماند که «منتخبات» زیادی در تفلیس به نشر رسیده که نه تنها در گرجستان و شوروی (سابق)، بلکه در بسیاری از دانشگاه‌های رشته ایران‌شناسی جهان مورد استفاده می‌باشند.

برگردان و نشر آثار ادیبان گذشته و امروز ایران، در گرجستان جایگاه ویژه‌ای دارد، به طور مثال نمونه‌های چند از ترجمهٔ گرجی آثار شاعران و نویسندگان فارسی را در پایان ذکر می‌کنیم: «اوستا» (مترجم گ. آخولادیانی)، «شعرا رودکی» (مترجم، م. تادوا)، «رباعیات عمر

نقد به این کتاب: H.zqusta, ArOr xxxv, 3, 1967, Ctp.489-490.

۱. ن. قلی‌اف، روزنامه «آستیت سوسیالیستی» ۱۷ جولای ۱۹۶۱، ص ۳.

۲. گ. گابریلدا شویلی و ج. ش. گونشویلی آواهای زبان فارسی، ج ۱.

۱، ۱۹۶۲م؛ نقد از: د. ا. ا. الدمن، ن ۴، شماره ۶، ص ۱۹۳-۱۹۰.

۱، ۱۹۶۲م؛ نقد از: ج. کرامسکی، ArOr, xxx17, 1966, ctp. 459-463.

۱. ا. گ. برامدزی، تعبیر گرجی، کلیله و دمنه، ۱۹۴۵م.

۱. ا. گ. گوهریه، «منابع فارسی تعبیر گرجی داستان یوسف و زلیخا».

۱۹۵۸م؛ نقد از: ر. برامدزی، روزنامه «کمونیست گرجستان»، ۲۴ ژوئن

۱۹۵۸م؛ د. کابدزی، مجله «شائاتی» شماره ۱، ۱۹۵۹م؛ ص ۱۷۶-۱۷۹؛

ت. ا. چکوجودزی «ب» و «شماره ۴، ۱۹۵۹م، ص ۱۷۶-۱۷۹؛

ل. آستیاپاتی، ماهنامه شرق سرخ، شماره ۲، ۱۹۵۹م؛ ص ۱۴۸-۱۵۰.

۱. ا. گ. گوهریه، تعبیر گرجی داستانهای مردمان فارسی، «بختیار

نامه»، ۱۹۶۸، (فتردهای از محتوی این اثر به زبان فرانسوی در مجله زیر

به نشر رسیده است): مقاله ی. ا. روتویچیک در مجله سخن، شماره

Bedi dartsua, Revue de Kartveloloqje, xxv1, Roris, 1969; 148-150.

۱. ا. گ. گوهریه، د. م. ا. ناداوا «وین و زامین»، متن داستان تحقیق و

شرح لغات، ۱۹۶۴م؛ نقد از: شرح لغات، ۱۹۶۴م؛ نقد از:

D.M.Lanq, BSOAS, xxxv1, 2, 1963, 480.

ک. ک. باگاوا، مجله «مناثاتی»، ۱۹۶۲م شماره ۱۲، ص ۱۸۲-۱۸۰؛ ا. گ.

برامدزی، مجله «ماستا» ۱۹۶۲م، شماره ۳، ص ۱۵۹-۱۸۳.

ج. ش. گونشویلی، ترتیب آوا در زبان فارسی؛ اخبار دانشگاه دولتی

تفلیس، ج ۱۶، ۱۹۶۵م، ص (۱۴-۸۷)؛ نقد از: ا. گ. گوهریه،

د. کابدزی)، «خسرو و شیرین نظامی» (مترجم، ا. چالدزی و م. تادوا)،

«غزلیات حافظ» (مترجم، ا. چالدزی، م. تادوا، و کاتیشویلی)، «غزلیات

جامی» و «داستان سلیمان و ایشال» (مترجم، و کاتیشویلی)،

«داستانهای جمالزاده» (مترجم، م. خایبوا و م. اواناشویلی)، «داستانهای

صادق هدایت» (مترجم، ت. گاشیلوا و ا. گوهریه)؛ همچنین از آثار

مردم و یا فولکلور ایران نمونه‌های چند از سنوی مترجمان زیر، به گرجی

برگردانده و نشر گردیده است: ن. بیکایوری، ج. گونشویلی، ک. تابتدزی،

ا. کالدزی و غیره.

۱. با قاضی‌مندی کامل می‌توان گفت، کارهایی که در زمینه ایران‌شناسی در

گرجستان به انجام رسیده است، از اهداف و نمزی مطلوب بیرخوردار

می‌باشد و ما در زیر نمونه‌های چند از آنها راه همچون مشت نمونه خروار

بیان می‌کنیم: ۱. ا. ا. کالدزی، «تعبیر گرجی شاستامه» (۱۹۱۶)؛ نقد از: ن. مار؛

و ماورای قفقاز، ج ۱، لنینگراد، ۱۹۲۵م، ص ۱۲۰-۱۱۷.

۲. م. ک. آندرانکشویلی، «رساله‌هایی درباره ارتباط زبانهای گرجی و

ایرانی»؛ ج ۱، ۱۹۶۶؛ (نقد، H.Zqusta, ArOr, 1967, xxx7).

۳. ا. گ. گوهریه، «وی»، شماره ۴، ۱۹۶۹م؛ ص ۱۳۰-۱۲۷.

۴. ا. گ. گوهریه، «سازمان زبان گرجی»، تهران، ۱۳۲۵-۱۳۲۶.

۵. ا. گ. شاهنزی، اخبار شعبه زبان گرجی دانشگاه دولتی تفلیس، شماره

۱۱، ۱۹۶۸، ص: ۱۵۸-۱۴۵؛ د. کابدزی، «مناسبات ادبی میان ایران و

گرجستان»، ۱۹۶۹م، ص ۳۲۵-۳۲۰.

۶. گ. م. آخولادیانی، منتخب آثار راجع به زبان آستیتی، ۱۹۶۰م.

شکوه علوم انسانی
رتال جامع علوم انسانی

- F.Machalski, PO, WI, 1967, 81.
۱۰. ل. ن. گونشویلی، نشر سعید نفیسی، ۱۹۶۶ (نقد از: ک. ک. پاکاوا، اخبار دانشگاه دولتی تفلیس، ج ۱۲۱، ۱۹۶۷م، ص ۳۶۲-۳۷۰).
۱۱. J.Rypka, ohz, 1968, w 7/8, 387-392.
۱۲. گ. کاشالیوا، «فیلولوژی شرق» شماره ۱، تفلیس، ۱۹۶۹م، ص ۲۸۰-۲۷۵.
۱۳. گ. کامالیوا، نشر صادق هدایت، ۱۹۵۸م؛ فداز: و. گیاشتارینا، «پ.و.»، شماره ۵، ص ۲۵۸-۲۵۷.
۱۴. M.Skladanek, PO, 1961, WI, 505-507.
۱۵. پیام نوین، شماره ۱۱، تفلیس، ۱۳۳۸، ص ۱۱۰-۱۰۹.
۱۶. د. کابدزی، منابع فارسی تعبیر گرجی شاننامه، ۱۹۵۹م؛ نقد از: ک. ک. پاکاوا، روزنامه «شام تفلیس»، ۷ فوریه ۱۹۵۹م، همان روزنامه، شماره ۲۸۷، ۱۹۸۰م؛ و. کاتیاشویلی، روزنامه «کونیت» ۱۲ آوریل ۱۹۶۰م، فلزاد، ج ۱، لنگرود، ۱۹۶۵م، ص ۱۱۰-۱۰۹.
۱۷. د. کابدزی، منتخبات فارسی، ج ۱، ۱۹۶۳؛ نقد از: B.Majevska, PO, 1963, W 4(48), 333.
۱۸. و. کاتیاشویلی، روزنامه «ادبیات گرجستان» ۱۹۶۴م، شماره ۱۶، ۱۹۳۳م؛ j.Beeka, ArOr, xxII, 1964; 663-334.
۱۹. J.Rypka, Ohz, 1965, WI 12; 66-70.
۲۰. F.Machalski, Fo, vi, 1968; 255-256.
۲۱. م. گ. ممت شویلی، مجله «سشکاری» ۱۹۶۵م، ص ۱۵۵-۱۵۲.
۲۲. د. ا. کابدزی، ارتباطات ادبی میان گرجستان و ایران، ج ۲،

۲۳. ۱۹۶۹م؛ نقد: روزنامه «ادبیات گرجستان» ۱۲ دسامبر ۱۹۶۹م؛ و. کاتیاشویلی، ن. ا. برتایه، روزنامه گرجی زبان «ساخالگانان لایا»، ۴ فوریه ۱۹۷۰م.
۲۴. کونیت، ۱۹۶۷ (نقد از: ل. ن. گونشویلی، همان مجله، شماره ۱۵، و. س. یوتوردزی، اسناد تاریخی فارسی در مخازن کتابهای گرجستان (۱۹۶۷-۱۹۵۵م). نقد از: L.Fekete, AO, VIII, 1957.
۲۵. پیام نوین، شماره ۱۰، ۱۳۴۲، ص ۶۱-۶۴؛ همان مجله، شماره ۴، ۱۳۴۵، ص ۸-۱۵.
۲۶. م. ا. تادوا، «تعبیر آریلیناوی کلیده و دمنه» تفلیس، ۱۹۶۷م. نقد از: ا. و. ماگرالدزی، «ف. ا. ا.»، شماره ۵، ص ۲۰۴-۲۰۳، ا. و. ماگرالدزی، مجله «سشکاری»، شماره ۲، ۱۹۶۸م، ص ۱۲۶-۱۲۵.
۲۷. ل. ن. توششویلی، عناصر (محدود) و آژه‌های عربی در شاننامه فردوسی؛ اخبار پژوهشگاه زبانشناسی فرهنگستان علوم گرجستان، ۱۹۶۴م، ص ۱۵۲-۱۳۱ (مقاله ی. ا. رونجیک در مجله سخن شماره ۲۰-۲۷۲، ۱۳۴۸م، ص ۲۷۲-۲۷۰ به نشر رسیده بود).
۲۸. ت. د. چیخایدزی «کلمه سازی در زبان فارسی»، ۱۹۶۹م.
۲۹. د. کابدزی، «مجموعه‌های «رودکی» و «جامن» را ذکر نمود؛ این هر دو کتاب به ماسیت بزرگداشت این شاعران معزوف چاپ گردیدند و مجموعه «رودکی» (۱۹۵۷) شامل مقاله و رساله‌های زیر است:
۱. و. پوتردزی، عصر رودکی ۲. د. کابدزی «رودکی» از (زندگینامه و آثار شاعر)

۳. گوهریه «نظم رودکی»؛ ۴. بعضی ویژگیهای زبان آثار رودکی؛ ۵. ک. باگاوا «رودکی و عصر خیام»؛ ۶. م. تادوا «ترجمه‌های رودکی»؛ ۷. مجموعه جامی (۱۹۶۴) حاوی مطالب ذیل است: ۱. د. کابدزی «جامی» (زندگینامه و آثار شاعر)؛ ۲. ک. باگاوا «عصر جامی»؛ ۳. گوهریه «تعبیر شرقی داستان یوسف و زلیخا»؛ ۴. ت. گاریلاشویلی «پادگاریهای تاریخی هرات»؛ ۵. و. اکائیشویلی، ترجمه آثار جامی.

چنان‌که در بالا اشاره شد، آثار ایران‌شناسان ما از جانب متخصصان شوروی و خارج از آن، بهایی بلند یافته است، چنانچه خاورشناس معروف دنیا «یان ریپکا» به کتاب یک نفر از ایران‌شناسان گرجی، نقد نوشته از جمله گفته بود بگذار بهترین آرزوهای ما و سپس بی‌کرانه ما، همفلس ایشان باد. (۱) و در این باره در کتاب «ایران‌شناسان گرجی» به یک سلسله مسائل دیگر در زمینه آموزش فرهنگ و تمدن دیار آشنا مواجه هستیم، به طرز مثال، تهیه و نشر کامل فرهنگ فارسی به گرجی هنوز به آخر نرسیده است؛ از سوی دیگر، ما تا به امروز نتوانستیم کوچکترین سهم و نقش خویش را در تحقیق و بررسی بخش دیگری از فرهنگ ایرانی، یعنی زبان و فرهنگ کردی، ایفا کنیم و در آینده به این موضوع بیشتر توجه خواهد شد؛ خادمان فرهنگ و هنر گرجی در رشد ادبیات و هنر ایرانی چه اندازه سهیم بوده‌اند؟ این موضوع از جانب دانشمندان ما در آینده روشتر خواهد شد؛ بررسی و تحقیق گویشهای ایرانی موجود در ماورای قفقاز، یکی از موضوع‌های بکر و دست نخورده برای پژوهشگران گرجستان

۱. د. کابدزی، زبان‌شناس ایرانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.

بوده، که در این زمینه نیز می‌توان کارهای پرثمری انجام داد. همچنین ما قصد داریم چاپ اسناد فارسی و کتابهای نادر و دستنویسهای پربها را که در موزه و دیگر مخزنهای کتاب نگاه داشته می‌شوند، وسعت بخشیم تا خوانندگان گرجی زبان از این گنجینه‌های آثار فاضلان و دانشمندان فارسی‌گوی بیشتر بهره‌مند گردند.

خجندی در هندوستان

آثار علمی باستانی که در گذشته از فارسی به گرجی ترجمه شده‌اند، به طور باید و شاید آموخته نشده است و تحقیق و قیاس متون اصلی با نسخه به گرجی برگردان شده آنها و تألیف مقاله و رساله‌های علمی در این زمینه، یکی از رشته‌های فعالیت خاورشناسان ما در آینده نزدیک خواهد بود و انجام و اجرای این وظیفه بدون تردید به ترقی و رشد تاریخ زبانهای فارسی و گرجی، بویژه مسائل لغت‌شناسی در این دو زبان، مساعدت خواهد کرد و امید است دانشمندان ایران‌شناس ما این اهداف خود را با صرف‌رازی در عمل پیاده کنند و نشان دهند.

در ادامه نامل کنیم.

کتابخانه «ولانا آزاد» دانشگاه «میکر» هندوستان، چهل نسخه «دیوان کمال خجندی» نگهداری می‌شود. بعد از مطالعه آنها معلوم گردید که یک

نسخه «دیوان کمال خجندی» به دو قسمت جدا شده است. نسخه اول «دیوان با

حرف ده» قلم به پایان رسانیده، و نسخه دوم از حروف «ده» قلم به آغاز

شود آغاز، حسن خط و کاغذ هر دو نسخه به هم مانند است.

از نسخه دوم کمال خجندی یک نسخه جداگانه چاپ است. ولی

متأسفانه فاقد جلد است. استخراج بوده و می‌توان آن را به فرهای پارو هم

شماره دوم میلادی منتشر داشت. اشخاص نامعلوم در وقتهای گوناگون

در وقتهای گوناگون

در وقتهای گوناگون